

حذف کالاهای اساسی از سفره مستمری بگیران

نصرالله در یابیکی، رئیس کانون باز نشستگان تامین اجتماعی مازندران

به نظر من ۴۰ سال اول پس از پیروزی انقلاب یک طرف و دو سال گذشته یک طرف! در این دو سال آنچه گفته‌اند و نامش را احترام به مقام و جایگاه کارگران و بازنشستگان گذاشته‌اند، فقط حرف بوده و در عمل اتفاقات دیگری افتاده است.

در استان ما یعنی مازندران، یک خانواده ۴ نفره ماهانه باید حداقل ۱۰ میلیون تومان در جیب سرپرست خوارش باشد تا یک زندگی آبرومندانه داشته باشد با این حال متوسط دریافتی یک بازنشسته ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. شما تا آخر این قصه پر غصه را خودتان حدس بزنید. از همین روز مسئولان محترم یک سوال دارم.

سید ۱۰ میلیونی هزینه‌ها را کارگران و بازنشستگان چگونه پر کنند؟ سیگارفروشی در کنار خیابان، شستن ماشین مردم، نگهبانی در پارک و... هر کار دیگری که نام آن را شغل کاذب گذاشته‌ایم، در شان این افراد است؟ آیا می‌دانید کارگر و بازنشسته تامین اجتماعی سواي آن که باید صورت‌شان را با سیلی سرخ نگه دارند، مجبور به قرض گرفتن هستند و مشکلات بعدی که از بیان آنها می‌گذرم؟

قدرت خرید کارگران و بازنشستگان این روزها به شدت پایین آمده و حاصل این شرایط، رکود اقتصادی است. کارگر قدرت خرید کالایی را که خودش تولید کرده ندارد. این فرد با هزار و یک خیال و مشکلات به کار دوم و سوم می‌رود و فردا صبح باید در پای دستگاه تولید حاضر شود.

حال از او چه می‌ماند؟ مشکلات معیشتی، بیکاری فرزندان و... همه در ذهنش جمع هستند و بعدا می‌شنویم دست کارگر در حین کار زیر دستگاه مانده و قطع شده است. او با چه انگیزی برای شکوفایی تولید و استقلال کشورش تلاش کند؟

جالب اینکه برخی از مسئولان و نمایندگان مجلس که شعار حمایت از تولید و کارگر سر می‌دهند، حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و پرداخت مابه‌التفاوت نرخ آن را طرح می‌کنند که مصداق پول‌پاشی در جامعه یعنی تورم و گرانی‌های سرسام‌آور بعدی است.



به این آقایان پیشنهاد می‌کنیم بن کارگری و کارمندی را احیا کنند تا حقوق بگیران حداقل بتوانند کالاهای اساسی مثل برنج و مرغ و گوشت و لبنیات را بر سر سفره‌شان ببینند.

متعقدم اگر در سال‌های گذشته حقوق و مستمری و مزد طبق قوانین کار و تامین اجتماعی افزایش می‌یافت، امروز شاهد این همه مشکلات نبودیم و عجیب اینکه در همین شرایط رئیس سازمان برنامه و بودجه درباره افزایش ۱۰ تا ۳۰ درصدی دستمزدها و افزایش پلکانی حقوق‌ها اظهار نظر می‌کند.

از ایشان می‌پرسم که کدام مسئول و نماینده مجلس می‌تواند با ماهی ۵ و ۵ میلیون تومان زندگی کند که ما باید آن را تحمل کنیم؟ حقوق‌های ۳۰ تا ۴۰ میلیونی نمایندگان مجلس و مدیران مملکت کجا و دستمزد بخور و نمیر جماعت کارگر و بازنشسته کجا؟

در پایان بد نیست به بحث همسان‌سازی حقوق بازنشستگان هم اشاره‌ای کرد. نمایندگان اخیراً صحبت‌هایی در این زمینه مطرح می‌کنند از جمله اینکه بار مالی این طرح بر عهده سازمان تامین اجتماعی است و دولت نمی‌تواند بودجه طرح را تامین کند. با این حال از نمایندگان منصف‌تر مجلس انتظار داریم همان گونه که در شعارهای خودشان حامی تولید و کار و کارگر هستند، در عمل نیز با تصویب دائمی شدن همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، برای همیشه این قشر عزیز جامعه را از بلاتکلیفی و نگرانی‌ها خارج کنند.

وعده غذایی کارگران در واحدهای تولیدی بی سروصدا جمع شد

گرانی مواد خوراکی و حذف مزایای عرفی



نسرین هزاره مقدم

اجرای بدون وقفه سیاست‌های تعدیلی و شوک‌درمانی‌های اقتصادی که منجر به گرانی چند صد درصدی همه کالاها در ۲،۵ سال اخیر شده، نه تنها فضای زندگی شخصی مردم، بلکه بافتار اجتماع و فضای روابط کار را دچار تغییرات بسیاری کرده است. اگر در روزگار نه چندان دور، اغلب خانواده‌های ایرانی هفته‌ای وعده‌ای گوشت یا مرغ به همراه برنج وطنی نوش جان می‌کردند، امروز بسیاری از این خانواده‌ها از بدروزگار، ماهی یک بار هم روی پلو خورشت و کباب رانمی‌بینند و حتی رفته رفته حبوبات و سبزیجات نیز به دلیل گرانی بسیار تبدیل به غذاهای گران شده و خرید آنها از استطاعت برخی مزدبگیران ساده و حداقل بگیر خارج شده است. همین سقوط تنزلی، در محدوده کارگاه‌ها و فضای روابط کار نیز به نوعی دیگر رخ داده است.

گرانی مواد اولیه غذایی موجب شده در بسیاری از کارگاه‌های دایر کشور، حتی کارگاه‌های بزرگ و با سابقه، سنت دادن غذای گرم به کارگران از میان برداشته شود. حتی در کارگاه‌هایی که سال‌ها دهه‌ها، «عرف کارگاه» شامل یک وعده غذای گرم روزانه بوده، حالا به به کلی موقوف شده است. در بسیاری از این کارگاه‌ها، به جای غذای گرم، پول آن

را به صورت نقدی به کارگران می‌پردازند اما به گفته کارگران، این مبلغ به حدی ناچیز است که حتی کفاف صبحانه را هم نمی‌دهد چه برسد به ناهار یا شام!

تعهدات قانونی کارفرما در زمینه غذا

فصل هشتم قانون کار به مزایای رفاهی کارگران و تعهدات کارفرما در این زمینه اختصاص دارد. ماده

۱۵۱ در این فصل در ارتباط با تغذیه کارگران می‌گوید: «در کارگاه‌هایی که دور از مناطق مسکونی ایجاد می‌شوند، کارفرمایان موظفند سه وعده غذای مناسب و ارزان قیمت (صبحانه، نهار و شام) برای کارگران خود فراهم کنند که حداقل یک وعده آن باید غذای گرم باشد. در این قبیل کارگاه‌ها به اقتضای فصل، محل و مدت کار، باید خوابگاه مناسب نیز برای کارگران ایجاد شود.»

«عبدعلی کریمی» دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین در ارتباط با از میان رفتن عرف کارگاه‌ها مبنی بر دادن غذای گرم به کارگران می‌گوید: قبل از بحران کرونا، یعنی تقریباً از سه سال پیش ما از کارگران می‌شنیدیم که کارفرمایان بعضاً غذا را حذف کرده‌اند. حالا به جرات می‌توانم بگویم در ۸۰ درصد کارگاه‌های دایر قزوین، حتی آنهایی که در شهرهای صنعتی و کاملاً دور از شهر هستند، غذای گرم روزانه حذف شده است. کارفرمایان یا کالاها را حذف کرده‌اند یا به جای آن پول ناچیزی به

کارگران می‌دهند. در برخی کارگاه‌های بزرگ نیز تبعیض در این زمینه به وجود آمده و کارکنان را شهروند درجه اول و دوم کرده‌اند. به رسانی‌ها و کارکنان اداری غذا می‌دهند اما به کارگران پروژه‌ای، پیمانکاری یا قرارداد موقت، غذای نمی‌دهند.

چرایی حذف غذا از محیط‌های کاری

به گفته کریمی، ورود بی‌امان پیمانکاران به عرصه روابط کار، یکی از دلایل اصلی از میان رفتن مزایای عرفی از جمله «حق غذا» ست. کارفرمایان پیمانکار مدعی هستند هیچ مسئولیتی در ارتباط با تغذیه کارگران زیر مجموعه خود ندارند و تنها یک دستمزد ناکافی را گاهی با مابه‌تأخیر می‌پردازند.

این فعال کارگری ادامه می‌دهد: از زمانی که پیمانکاران وارد کارگاه‌ها شدند، تمام مزایای عرفی و سنتی کارگاه‌ها افول کرده و کارگران از همه حقوق‌شان محروم شده‌اند. قبلاً سنت ایرانی‌ها و کارگاه‌ها این بود که مثلاً دو سیخ کباب کوبیده را به همراه برنج به عنوان ناهار می‌دادند. بعدتر این دو سیخ به یک سیخ کباب کاهش یافت و البته از کیفیت آن نیز بسیار کاسته شد. بعدتر همین یک سیخ را هم حذف کردند و هفته‌ای دوسه بار غذاهایی مانند عدس پلو و لوبیا پلو به کارگران می‌دادند که باز بعدتر به علت گرانی حبوبات، همین غذاها هم حذف شدند. حالا

کارگر قرار داد موقت که همیشه از تعدیل و بیکار شدن می‌ترسد و امنیت شغلی به اندازه‌ارزنی ندارد، حتی اگر حقوقش را چند ماه پشت هم ندهند، نمی‌رود شکایت کند چه برسد به اینکه برای غذا برود شاکشی شود

کارگران بسیاری به ما مراجعه می‌کنند و می‌گویند ما هشت ساعت تمام در یک محیط صنعتی با شکم گرسنه کار می‌کنیم و غذایمان فقط یک وعده شام است که شب در منزل می‌خوریم. کارگری که با شکم گرسنه بخواد کار ی‌دی یا فکری بکند، معلوم است که هیچ بهره‌وری یا کارایی نخواهد داشت. آیا یک کارگر گرسنه می‌تواند «جهش تولید» را اعمالی کند؟

کاهش مداوم قدرت چانه‌زنی نیروی کار

حذف غذای گرم از عرف کارگاه‌ها، زاییده دو عامل است: اول کاستی گرفتن حق چانه‌زنی کارگران به دنبال رواج قراردادهای موقت، آن‌هم از نوع پیمانکاری، حجمی و پروژه‌ای که اصولاً مانع تشکیل یابی کارگران و چانه‌زدن آنها با کارفرمایان بر سر مزایا و شرایط رفاهی کارگاه می‌شود. دومین عامل اما بدون

تردید، گرانی سرسام‌آور مواد خوراکی است. تورم در بخش خوراکی‌ها بیش از ۶۰ درصد است و از ابتدای ۹۷ تا امروز هر قلم خوراکی را که در نظر بگیریم، لاقل ۳۰۰ درصد افزایش قیمت داشته است. محاسبات مستقل کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور نشان می‌دهد میانگین هزینه یک وعده غذای گرم برای یک نفر، حدود ۲۱ هزار تومان است، البته در صورتی که در یک برنامه غذایی ۱۴ روزه، همه نوع غذا از جمله عدس پلو، ماکارونی، مرغ و... موجود باشد. هر چند تهیه غذا در حجم بالا، می‌تواند هزینه‌ها را کاهش دهد اما با اطمینان می‌توان گفت باز هم هزینه یک وعده غذای گرم برای هر کارگر حدود ۲۰ هزار تومان است. این رقمی است که کارفرمایان یا نمی‌توانند یا نمی‌خواهند که بپردازند.

اما قانون در ارتباط با حذف مزایای عرفی کارگاه‌ها چه می‌گوید و یا کارفرما می‌تواند یک‌جانبه، یک مزیت عرفی را بعد از چندین سال استمرار یک‌شبه حذف کند؟ «سعید ناصری» کارشناس حقوقی و استاد دانشگاه در رابطه با حذف غذا به عنوان یکی از مزایای عرفی کارگاه می‌گوید: بر اساس قانون، کارفرما تنها در صورتی می‌تواند غذا را حذف کند که مشکل‌های کارگری کارگاه یا در صورت نداشتن شکل، دوسوم کارگان شاغل کارگاه، با این حذف موافقت کنند که البته بعدی می‌دانم تشکیل‌های کارگری یا کارگران با حذف غذای گرم در کارگاه موافقت کنند.

او تأکید می‌کند: مساله‌ای که به صورت عرف درمی‌آید، کارفرما نمی‌تواند یک طرفه آن را از میان بردارد و حتماً باید نماینده کارگران در تشکیل‌های کارگری با این کار موافقت کنند. آن‌هم در صورتی که کارفرما شکل کارگری و نمایندگان کارگران را توجیه کند و توضیح بدهد که بحران اقتصادی هست و نمی‌توانم و البته باید نمایندگان کارگران یا همان طور که گفتیم دوسوم پرسنل توجیه شوند و این توضیحات را بپذیرند. البته عدالت حکم می‌کند در این شرایط توری که همه کالاها به شدت گران شده‌اند، نه تنها مزایای عرفی حذف نشوند، بلکه مبلغ و میزان پرداخت آنها افزایش یابد. برای نمونه، اگر در کارگاهی پول غذای می‌دهند، در

در بسیاری از کارگاه‌های دایر کشور، حتی کارگاه‌های بزرگ و با سابقه، سنت دادن غذای گرم به کارگران از میان برداشته شود. در بسیاری از این کارگاه‌ها، به جای غذای گرم، پول آن را به صورت نقدی به کارگران می‌پردازند

این شرایط که همه مواد غذایی گران شده‌اند، قاعدتاً باید پول بیشتری به کارگران بپردازند نه اینکه پرداخت آن را کامل حذف کنند.

به گفته این حقوق‌دان، در صورت حذف غذای گرم یا وجه معتنابه آن، کارگران حق قانونی مطالبه دارند یعنی می‌توانند برونداز کارفرما شکایت کنند. اما عیدعلی کریمی که مسائل کارگران حق شکایت دارند اما در عمل توان شکایت ندارد! کارگر قرار داد موقت که همیشه از تعدیل و بیکار شدن می‌ترسد و امنیت شغلی به اندازه‌ارزنی ندارد، حتی اگر حقوقش را چند ماه پشت هم ندهند، نمی‌رود شکایت کند چه برسد به اینکه برای غذا برود شاکشی شود! بدون هیچ تردیدی، بحران اقتصاد، همه چیز و همه کس را تحت تأثیر قرار داده و در واقع می‌توان گفت این بحران عمیق، همه چیز را از شکل انداخته است. هیچ چیز دیگر به شکل واقعی

خود نیست، حتی کار کردن در یک کارگاه صنعتی و کیلومترها دور از خانه! کارگری را فرض کنید که در یک شرکت تولیدی مثلاً قطعه‌سازی چه یا کارگاه تولید ظروف، روزی هشت ساعت پای خط تولید می‌ایستد. او بعد از خوردن صبحانه در منزل، احتمالاً در پنج یا شش صبح، دیگر هیچ نمی‌خورد تا شامگاهان حدود هفت یا هشت شب که دوباره به خانه می‌رسد و سر سفره شام می‌نشیند. این شیوه از زندگی بدون تردید، جانکاه است. این کار کردن به موازات گرسنگی مدام، مسلماً «کار کیفی» نیست و فقط چشم دوختن به ساعت است تا روز بگذرد و بوق پایان کار به صدا دربیاید!



مختلفی را برای افزایش حقوق هادر نظر گرفتیم ولی اینکه برای سال آینده به شکل پلکانی حقوق‌ها افزایش یابد حتماً با مشکلاتی روبه‌رو خواهیم شد چون برخی سلاقی مدیران باعث ایجاد فساد و رابطه‌بازی در افزایش حقوق می‌شود و ناراضی عمومی در بین کارکنان را دامن می‌زند لذا روش پلکانی، روش خوبی نیست و انتظار داریم یک روبه‌ثابت را برای افزایش حقوق کارمندان، کارگران و بازنشستگان در نظر بگیرد.



افزایش پیدا کند. این روند افزایش ۳۲ درصدی که حداقل افراد یک بار در سال یکی از مواد مخدر، محرک یا توهم‌زا را استفاده کرده‌اند یک

افزایش پلکانی دستمزدها، روشی نادرست، ناعادلانه و مفسد ساز است

زندگی هستند، حداقل انتظار کارگران این است که حمایت‌های غیرنقدی از سوی دولت صورت گیرد، چرا که بسیاری از خانوارها در این گرانی‌ها همه پس‌اندازشان را از دست دادند و برای مسائلی مثل تامین لوازم مدرسه فرزندان‌شان یا خرید گوشی موبایل ولپ تاپ هزینه‌های سنگینی را متحمل شده‌اند. وی در عین حال تأکید کرد که در روزهای پایانی سال جلسات تعیین دستمزد شکل خواهد گرفت و حداقل دستمزد افزایش پیدا خواهد کرد ولی نباید روی آن حساب و بزه‌ای باز کرد و احتمالاً آن میزانی که مدنظر گروه‌های کارگری باشد، نخواهد بود. حاج اسماعیلی اشاره‌ای هم به شیوه افزایش پلکانی حقوق کارمندان کرد و گفت: در دوره‌های گذشته برای جلوگیری از فساد در حوزه افزایش دستمزدها و نزد یک شدن به انصاف و عدالت، فرمول‌های

وی افزود: اگر حقیقتاً موضوع افزایش نقدی مدنظر نیست می‌توان حمایت‌های غیر نقدی را پیش‌بینی کرد و از طریق تخصیص کالاهای اساسی، پرداخت وام و دبعه اجاره مسکن یا پرداخت وام و تسهیلات به کارگران کمک کرد. حاج اسماعیلی متذکر شد: در دولت قبل عده‌ای مدام از پایین بودن حقوق کارگران و بازنشستگان و مشکلات معیشتی آنها انتقاد می‌کردند و در قالب منتقد جدی به سیاست‌های پولی و مالی و دستمزد، وارد معرکه شده بودند ولی اکنون که خود آنها در چنین فضایی قرار گرفته‌اند تمایلی به رعایت حداقل‌ها ندارند و به افزایش دستمزدها توجه نشان نمی‌دهند. این کارشناس حوزه کار تصریح کرد: با توجه به اینکه حدود پنج ماه حداقل تا پایان سال باقی مانده و مدت طولانی است و حداقل بگیران همچنان در گیر تامین نیازهای

مدیر کل دفتر آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر خبر داد:

شیوع ۲۲.۳ درصدی اعتیاد در محیط‌های کارگری

در دانشجوین دولتی ۴۰۷ درصد و در محیط‌های کارگری ۲۲.۳ درصد وضعیت مصرف داریم. الگوهای مصرف بیشتر مواد آویوئودی و توهیم‌زاست.

صرامی در نشست تخصصی روند برنامه

مدیر کل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر با اشاره به وضعیت شیوع مواد مخدر گفت: وضعیت شیوع به گونه‌ای است که در جمعیت عمومی ۵۴ درصد، در دانش‌آموزی و متوسطه و هنرستان‌ها ۲۰۱ درصد،

زنگ خطر جهانی برای جامعه بشریت است. صرامی خاطر نشان کرد: در خسارت‌های اجتماعی مواد مخدر از همسرآزاری‌ها و طلاق و کودک‌آزاری تاقتل، از مشکلاتی است که بر جامعه تحمیل می‌شود. خسارت‌های اقتصادی کشور ناشی از مواد مخدر در هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم ۱۶۷ هزار میلیارد تومان در یک سال است که در عرصه جامعه و دولت و فقر این هزینه‌ها ایجاد شده است.